

**تاكيد آمام: نظم و عدم دخالت از گاههای مختلف در امور يكديگر**

ملحظه نکند این یک امری است برخلاف مقره اسلامی است. حکمی است که اسلام کرده است که باید این نظم محفوظ باشد. باید مرائب محفوظ باشد و اینطور نبایش که هرگز هر طوری که دلش بخواهد تضییف کند قوای انتظامی را، ارتشارا، زاندارمیری را و سایر قوای انتظامی مثل پاسداران را همانطوریکه همه ملت موقوفند که این قوای انتظامی را حفظ کنند و پشتیبانی کنند و نظم را مراعات کنند و دخالت در امور نظام حکم نکنند. خود نظامی ها هم و خود اشخاصی که در قوای انتظامی هستند. باید مقررات را حفظ بکنند و از فرمادهان خودشان فرمابنبرداری کنند. هم جهاد سازندگی باید مقررات را حفظ بکنند و هم کسان دیگری که در هرجا مشغول کاری هستند بینظور نبایش که جهاد سازندگی دخالت در یک امر دیگری که وظیفه و نیست بکند یا مثلًا پاسدارها دخالت یک امری که در وظیفه آنها بیست بکنند یا ارتشی ها اینطور یا دیگران در ارشت دخالت کنند. دیگران در زاندارمی دخالت بکنند باید هر نهادی روی همان مقرراتی که دارد عمل بکند و امروز این یک مسئله اسلامی است شما خیال نکنید که ما حالا یک دولتی داریم که جدای از مسلمین جدای از مقاصد اسلام است امروز تمام افرادی که مختلف امور این مملکت هستند و مختلف اداره امور این مملکت هستند همه از جنود الله هستند و همه خدمت به اسلام دارند میکنند و نباید آنها را تضییف ورد ملت باید پشتیبانی همراهانها باشد و همه نهادها هم باید خودشان مقررات را بطوریکه در هر نهادی مقررات هست عمل بکنند برخلاف مقررات خلاف شرع است نباید عمل بکنند و هم طایفه هیچ نهادی در نهاد دیگری نباید دخالت بکند. نباید کمیته ها خلا دخالت بکنند در امر ارشت نباید ارشت دخالت یکند در امر میتهها. نباید قوه اجرائیه دخالت در قوه قضائیه یا تقاضیه بکند

حالاً اگر تخلف از احکام حکومت  
اسلامی بکنید این جزء ردائل است

ایران واقع شود، این یک مسئله‌ای است درهمندیا. و اگر تفرقه‌ای ما بین برادران ایرانی و برادرهای عراق واقع شود یعنی ملت عراق، واقع شود این یک مسئله‌ای در دنیا هست نه یک مسئله‌ای بین اینجا و عراق هست.

این را در دنیا رویش حساب میکنند و در دنیا، آنهاي که میخواهند تمام منافع دنیا را به جیب خودشان بزنند و سلطنت خودشان را به تمام عالک دنیا تحیمل بکنند آنها همین تفرقه ای که بین برادرهای شیعه ما و سنی ما فرقاً اتفاق بیافت در ایران آنها بهره‌برداری میکنند و همینطور اگر بین برادرهای ایرانی ما با برادرهایی که در پاکستان هستند بگاختلای واقع شود بهره‌برداری آنها میکنند ما باید بیداریاشم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است ان‌العونون اخوه برادر هستند اینها و هیچ حیثیتی جز برادری باهم ندارند و مکلفند که مثل برادر باهم رفتار کنند. این یک حکم سیاسی است که اگر شما ملتهای مسلم که تقریباً یک‌میلیارد جمیعت هستند اینها برادر باهم باشند و به برادری باهم رفتارکنند هیچ‌سیبی برای‌نها واقع نمیشود و هیچ‌کجا از ابرقدرتها قدرت اینکه تجاوز بانها بکنند ندارند. برادرها باید متوجه این معنی باشید و اما قضیه جهاد‌سازندگی که آقایان از این جهاد‌سازندگی هستند

و کار پیارزشی شما دارید. باید توجه داشته باشید که علاوه بر اینکه جهاد و سازندگی میکنید جهاد با نفس خودتان هم بکنید. اگر خدای نخواسته در این جهاد سازندگی یک کاری بیشود که برخلاف مصلحت اسلام است، برخلاف مصلحت انقلاب است.

این اسباب دلسوزی مردم میشود و خدای نفواسته اگر بعضی از اشخاص غافل یک وقت عملی بکنند برخلاف مقررات دولت اسلامی و بخواهند یک شلوغ‌کاری بکنند اینها جهاد نفس نکردند و جهاد سازندگیشان هم مفید نیست. باید شا آقايانی که یک همچون عمل سیارتریغی را متکلف هستند و ارزش‌ده است این عمل شا پیش اسلام باید توجه بکنید که این اخلاق اسلامی که اخوت اسلامی است برادری است و برابری است این وا ملاحظه کنید و مبادا یک وقت در یک جائی برخلاف مقررات و نظم عمل بکنید. این یک امری است بروای عده کشور ما هست برای همه همادهای گشوار ماهست باید تنظیم نظم را و مقررات جمهوری اسلامی و مقررات حکومت اسلامی ای باید موبیعو دریافت کنند و موبیوعمل کنند و برخلاف مقررات عمل بکنند این یک مطلب اسلامی است حکومت حالا مثل حکومت زمان ایاه مخلوع نیست که اگر چنانچه تخلف بکنید. این جزء فضایل شما میشود. حالا اگر تخلف از احکام حکومت اسلامی بکنید این جزو اائل است. این وذله است بپیش خدا. صحیح نیست. در اسلام باید نظم مقرر باشد. این را من به همه مسلمین که همه جا هست برقی میکنم و بخصوص ملت شریف اسلام از هر طبقه‌ای هستند اکر نایابند که در قوای انتظامی قوای مسلح در اortsن نظم نباشد و خواهد هر کسی به خیال خودش عمل بکند و سلسه مراتب را

امتحان به مومنین یک تصور ندارد. این عقد اخوت بین تمام مومنین است تمام مالک اسلام باید باهم مثل برادر باشند و اگر چنانچه مالک اسلامی مثل برادر باهم باشند و توده های که در هر کشوری زنگی میکنند با توده های کشور دیگر مثل برادر نظر داشته باشند اینها برهمه قدرت های عالم مسلط خواهند شد. امروز شاگردان نکنید که اگر دریک گوشه عالم یک قضیه واقع بشود سایر مالک دیگر طبع نمیشوند امروز دنیا یک عائله شده است. دنیا یک موجود شده است. که همه عالم از هم طبق میشوند با این رادیو و تلویزیون می بینید که مطلبی که دریک گوش دیگر عالم واقع میشود در همچنان منظر میشود. باید این اخوت ایمانی طوری باشد که یک کشوری با کشور دیگر نظر خلاف نداشته باشند و کشورهای اسلامی با هم نظر دوستی داشته باشند و مخالفین ما کوش میکنند که در تمام جاهای که مالک مستضعفین هست و ملت های مستضعف هست. چه ملتهای اسلامی چه غیر اسلامی که مستضعف هستند کوش میکنند با فعالیتهای متعدد بین اینها حدایی بیاندازند بین اینها تفرقه بیاندازند مالک را از هم جدا کنند کشورهای اسلامی را از هم جدا کنند. ملتهای اسلامی را از هم جدا کنند. و لهذا میبینند که گویند گانشان، آنهایی که ادعای اسلام میکنند در عین حالی که با یهود موافقت کرده اند (یعنی با چهوبیسم) موافقت میکنند لیکن حدیث دارند که بین برادرهای سلم تفرقه بیاندازند. و با هر طوری که شده است برادرهای مسلم را از هم جدا کنند. اینها یک نتشهای سیاسی است که کشورهای بزرگ بواسطه عمالشان میخواهند در مالک اسلامی بپاده کنند. مسلمین باید بیدار باشند. مسلمین باید هشیار باشند که امروز مثل دیروز نیست. این عصر ما مثل عصرهای سابق نیست که هر طبقه ای در محل خودشان منافع خودشان را بدست بیاورند. امروز همه منافع کشورهای اسلامی بیوند به هم است. منافع کشور اسلامی ایران با منافع کشور اسلامی سایر کشورها اینها با هم بیوند هستند. اگر چنانچه اختلافی بین ملت ایران با ملتهای دیگر بیافتد. اختلافی ما بین برادرهای اهل سنت ما با برادرهای اهل تشیع ما واقع شود این را بضرر همه مسلمان است. بضرر همه مسلمان هست و آنهایی که میخواهند ایجاد تفرقه بکنند اینها نه اهل سنت هستند و نهامل تشیع هستند. اینها کسانی هستند که کارگردانان دولتهای ابرقدرت هستند و در خدمت آنها هستند. آنهایی که کوش دارند بین برادرهای اهل سنت شما با برادرهای اهل تشیع تفرقه بیاندازند اینها اشخاصی هستند که برای دشمن اسلام برای دشمنهای اسلام مشغول توطئه هستند و میخواهند دشمنهای اسلام را بر مسلمین غالب کنند. آنها طرفدار آمریکا هستند بعضی طرفدار شوروی هستند و باید مسلمین در هر جا که هستند توجه کنند که امروز تفرقه مایبن یک مملکتی ولو در اقصی بلاد دنیا باشد با مملکت دیگری که با در شرق و غرب اهم جدا هستند امروز مثل سابق نیست. امروز هرمسلتفای دریک گوشه دنیا واقع بیشود مسئله دنبیاست. همسلطه همانجا. اگر چنانچه یک تفرقه ای بین شما برادرهادر

تهران - خبرگزاری پارس - پیش از ظهر دیروز امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در جمع اعضاي جهاد سازندگی سیستان و بلوچستان و جیرفت و دردگ آباديزد و دیگر افشار مختلف مردم که بدیدارشان آمده بودند سخنان مهم خطاب به مردم و نهادهای اقلایی با یعنی شرح ایراد فرمودند .  
بسم الله الرحمن الرحيم

خدای تبارک و تعالی را شکر گزاریم که ملت ایران همه طوائف  
برادران شیعی مذهب و برادران اهل سنت درکار هم و با  
برادری برای پیاده کردن احکام اسلام گوش میکنند. برادران و  
خواهران من، ما امروز دریک عصری واقع هستیم که تمام دنیا.  
تمام کشورها از اقصی نقاط عالم تا اینجا بمنزله یک خانه شده اند  
در سایق اگر چنانچه قضیه ای واقع میشد دریک شهری برای یک  
شهر دیگر هیچ مطرح نبود و شهر دیگر از آن مطلع نمیشد یا اگر  
مطلوب میشد برای او قضیه ای نبود. لیکن امروز وضع عمر مأ  
طوري شده است که قضایایی که دریک کشور واقع میشود در همه  
کشورهای دنیا در اقصی کشورهای دنیا معکس میشود و برای آنها  
مطلوب است اینطور نیست که اگر ما در اینجا با هم اختلافی یابیم  
منحصر باشد به یک شهری یا یک کشوری مثل کشور ایران. بلکه  
انکاش در تمام کشورهای دنیا هست و بازنایش در همه جا هست.  
امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت  
نظر سیاسی ابرقدرتها هستند. همه جا را ناظر هستند و برای  
شکست همه طوایف و قشراهای دیگر طرحها دارند و مهم طرحها  
ایستگاه بین برادرها اختلاف ایجاد کنند. طرحهای اساسی سیاسی

باید هر یهادی روی همان مقرراتی  
که دارد عمل بکند

بین اقوی اندیش بودند از اسلام احلاقوی هم سپاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مومنین برادر هستند این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی، اگر مومنین طوائف مختلفی اند که در اسلام هستند و هم مومن بخدا و پغمبر اسلام هستند اینها باهم برادر باشند. همانطوری که برادر با برادر در نظر بحیث دارد همه قشرها با هم نظر محبت داشته باشند. علاوه بر اینکه یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد. یک حکم بزرگ اجتماعی و نتایج بزرگ اجتماعی دارد. شما ببینید که در همین برهه از زمان که اسلام در آینجا یک سایه ضعیفی انداده است، این برادری که مقدار ناقص الان در ایران زیاد شده است. چه آثار رحمتی هست درش. و چه انعکاس رحماتی الهی در این کشور هست. این جهاد سازندگی که همه قشراهای ملت را در تحت لوا خودش قرارداده است و جوانهای ما از هر فرشتی در این جهاد سازندگی وارد میشوند این اثر این اخوت اسلامی است که دارند. اینها برادر هستند. یک کشور باهم برادر هستند و لهذا بانظر برادری بهم نشان میکنند و اخوت اسلامی اتفاقی این را میکند که در این جهت اجتماعی همه باهم کمک کنند و این کشوری که از خودشان هست همه آباد شنند او را و پاکسازی کنند بسازند او را و این یک حکم اخلاقی است که درش حکم اجتماعی هم هست و علاوه بر این جهات سیاسی دارد. جهات سیاسی آن همین بود که همه دیدند که ملت ایران وقتی که با هم مجتماع شند و برادروار باهم در کنار هم بودند و همه توجه به برادری اسلامی خود داشتند قدرتنهای بزرگ نتوانستند در مقابل این برادرها در مقابل اینهایی که مجتماع باهم شدند، نتوانستند در مقابل اینها قیام کنند و تاب مقاومت بیاورند، همراه خودشان را گرفتند و رفتند گرچه بعضی از ریشهای فاسدشان مخفیانه در این ملت و در این کشور هست، لیکن این ریشهای فاسد نمیتوانند یک اخوت ایمانی که الان در شما هست این را بهم بزنند این اخوت ایمانی که خدای تبارک و تعالی امر با خوت کرده است و عقد آخرت بین مومنین انداده است. اتحضار به مومنین ایران ندارد

مطوعاتی و مطبوعاتی پروریزی ایران در یک مصاحبه رادیوی تلویزیونی شرکت کرد و طبق این مصاحبه طرح بازنشستگی و بازخورد مستخدمین با گذاشتن آنرا عالم کرد هنر این اصطلاحیه و مشروط سخنان آقای نوبیر در این مورد در زیر از نظر نظریان مبکردره آقای نوبیر در ابتداء گفت این طرح حدود چهار بینه ماه است که وقت همه را گرفته بینی می‌داند این زمینه خیلی زودتر از سیستم دولتی شروع کردیم. این طرح را ما اسقند گذشته تهیه کردیم و به سازمان امور اداری و استخدامی کشور دادیم که این سازمان ایده‌های اساسی طرح را گرفت و در مورد کارمندان دولت پیاده کرد چون اجرای این طرح در مورد کارمندان دولت آغاز نمود در مورد باشکوهان مشکلتر بود چرا که ممکن نبود کسی در یک بانک ماهیانه ۱۵ هزار تومان بکرید و با همان وضع در یک بانک دیگر ۱۰ هزار تومان و در جایی دیگر ۵ هزار تومان برای اینکه نوع استخدامها فرق نمی‌کرد. ما که میخواستیم ۱۱ بانک را در هم ادغام کیم طبقنا به چندین مسئله‌ای پرخورد بیش و مانیز می‌خواستیم به کارمندانی که علاقه داشتند در جاهای دیگر کار گذشته اینها امکانات بدھیم از این لحاظ می‌باستیم دست آنها را و همچنین مدیریت باشکوهان را باز می‌گذشتیم این طرح هم این ایده اساسی را دارد که با اجرای آن میتوان به کارمندان و امداد و هم بازخوردیاز نوع ۲۰۰ هزار تومان قابل اجراست گردد این کار این بود که تمام سی میلیون بود که اکثر در آینده کشور به مت هم‌آهنگی مبرد از نظر اداری ما چکار کیم که کارمند بانک در وضعی قرار بگیرد که مشابه باشد با

طرح بارستگی و بازخرید کارکنان بانکها اعلام شد

سال پایه خدمت احیا ریست. استفاده از خدمات بعضی از آنها در صورت نیاز بانک به تجارب آنان منوط به تصویب شورایعالی بانکها خواهد بود.

ماده ۳- میزان کسور بازنیستگی ۲۱٪ حقوق مستخدم بر اساس دستورالعمل صندوق تامین اجتماعی میباشد که ۷٪ آن از طرف مستخدم و ۱۴٪ آن از طرف بانک پرداخت میشود.

ماده ۴- کسور بازنیستگی مربوط به ۱۵ سال خدمت اضافی مذکور در ماده ۴ اعم از سهم مستخدم و سهم بانک نقداً از طرف بانک پرداخت میشود.

ماده ۵- اختساب آن مقدار از ساقعخدمت مستخدم مشمول ماده ۲ که کسور بازنیستگی آن به صندوق تامین اجتماعی پرداخت نگردیده است منوط به پرداخت کسور مزبور از طرف مستخدم و کارفرما، بر اساس میانگین حقوق بدوساختام وی و اولین حقوقی که بر اساس آن کسور مزبور پرداخت گردیده است میباشد.

ماده ۶- بانک کسور بازنیستگی مستخدم مذکور در ماده ۵ را باقسط ساوه ماهانه و در مدتی برابر با خدمت پذیرفته شده وی و

تبصره - سال در فرمول مزبور منظور  
خواهد شد حقوق بازنشستگی مستخدم از حقوق شهریورماه ۱۳۵۹  
و حداکثر ۲۰۰ / ۸۶ ریال تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۸ - بانک تابعیں نکلیف قطعی صندوق بازنشستگی  
شترک بانکهاکسوز بازنشستگی کلیه مستخدمین خود اعم از سهم  
مستخدم و سهم بانک را در حساب مشخص نگاهداری نموده و حقوق  
ازنشستگی مستخدمین مشمول این طرح را از محل آن پرداخت  
نخواهد کرد.

ماده ۹ - سوابق خدمت تمام وقت مستخدم از لحظه بازنشستگی  
شرح ذیل جزء سایقه خدمت وی محسب و منظور خواهد شد:

الف - کلیه سوابق خدمت مستخدم در سایر بانکها، کانون بانکها،  
وسایت اعتباری و شرکتهای پسنداداز و اقام مسکن ملی شده.

ب - کلیه سوابق خدمت مستخدم در وزارت‌خانه‌ها، موسایت و  
رکتهای دولتی و شهرداریها.

تبصره - خدمات اجتماعی سابق زنان و خدمت زیربرجم  
مستخدم بشرط پرداخت کسور بازنشستگی بر مبنای اولین حقوق وی  
و ر بانک جزء سایقه خدمت وی محسب خواهد شد.

مل دوم - بازخرید

ماده ۱۰ - بانک میتواند خدمت مستخدم موضوع ماده ۱ این  
وح را در صورتیکه دارایی کفتر از ۱۵ سال سابق پذیرفته شده در بانک  
شد بترتیب ذیل بازخرید نماید:

- مستخدمینی که خدمت آنان بازخرید میشود، تا ۵ سال سابقه  
دستور ازای هر یکسال خدمت معادل سمعاء آخرین حقوق و فوق العاده  
بل آنان و مزایای شغلی که مستمرا دریافت میکردند پرداخت  
شود، کسر یکسال در این مورد یکسال محسب میشود.

ناده سال سابقه خدمت نسبت بغازاد پنج سال در ازای هر سال سابقه

با اجرای این طرح کارگنان بانکها میتوانند با احتساب ۱۵ سال خدمت

اصفی بازرسیته سوند  
وضع کارمندان دولت، ولی در عین حال این سختی و گوشش و تلاش و تخصم زیادی که اینها دارند و به کار میکرند ما به ازایش باید از لحاظ اسلامی چیزی به آنها بدهیم و لینستور نباشد که فداکاری آنها بلا جبران باشد بنابراین مستله ما این بود و ما فکر میکنیم که این طرح ایدمهای اساسی جمهوری اسلامی ایران را در خودش متنبلور کرده است البته بانک مرکزی ایران شامل این طرح نمیشود ولی یک طرح متابه هم برای این بانک تعییه شده که دو روز قبل در شورای پول و اعتبار تصویب شد که بعداً به اطلاع خواهد رسید.  
من کامل طرح بازنگشی و بازرگرد مستخدمین بانکها که در نوزدهمین جلسه مجمع عمومی بانکها در تاریخ ۲۵/۵/۱۳۵۹ با حضور

دانشگاه رضا سلیمانی وزیر امور اقتصادی و دارائی، رضا صدر وزیر بازرگانی، عباس شیبانی وزیر کشاورزی و عمران روسانی، محمود احمدزاده هرزو وزیر صنایع و معادن، عزت الله سحابی وزیر مشارک و رئیس سازمان برنامه و پودجه و محسن یحیوی وزیر مسکن و شهرسازی مطرح و به تصویب رسید به شرح زیر است:

ماده ۱- این طرح بمنظور تبیین تکلیف آن دسته از مستخدمین بانکها که خدمات آنها ضروری نیست به مورد اجرا گذاشته خواهد شد.

فصل اول: بازنیستگی

ماده ۲- بانک میتواند مستخدمی را کمدارای حداقل ۱۵ سال تمام ساقه خدمت بدیرفته شده در بانک باشد با احتساب حداقل ۱۵ سال ساقه خدمت اضافی بازنیسته نماید.

تحصیل ا- اجرای مفاد این طرح در مورد کارکنان دارای ۲۵







آنها را تائید نماید.

روشی که حزب برای سرکوبی مخالفان و در انحصار درآوردن مطبوعات پیش گرفت آنراش پس از ۱۸ سال که از استقلال این کشور میگذرد «بخوبی نمایان است» سویالیسمی که الجزایر برگزید و خفقتانی که براساس فکر دگمانیستی هیئت حاکمه برکشود سایه افکند کار را بخانی رسانده که تنگه فوق العاده حزب در ماه گذشته شکست نمود. بعدها هم به عهده داشت ضمن ابراز ناخسندی از نوع سویالیسم «الجزایری» را تاحدود زیادی محدود کرد.

معتقد بود که حزب باید تمامی مردم را در برگردان و در ضمن آزادیهای سیاسی و اجتماعی بیشتری داده شود تا نظام نژادی استحکام و نیز از محبویت بیشتری برخورد کند. بنابراین که از مرکز بودن از آزادی انسانی برخوردار شد (پس از چند ماه آزادی بر اثر ایجاد خبرنگاری که در شهر محل اقامت خود "میلاد" داشت مجددًا تحت نظر قرار گرفت و بجز اهمیات اول هم اکنون مطبوعات حق آوردن نام وی را ندانند) طبق مصاحبهای کشیده از اینکه محدود نظریاتش در محدود گردید آزادی انسانی و فناوری و فاعلیت میز بوده است، اذاعان نمود (البته این حزب بسیار من تشکیل داشت بلکه خواهان جزیی بود که در این میان از آزادی تا حدود زیادی پس از وی نیز ادامه پیدا کرد) همچنان توسعه جناح غیرمارکسیست "پیشو" سنتم مطلع شده باشد وی بارها این نکته را یاد آورد. میگویند "هر کاه که واقعیت را تضاد با نظریه می دیده ما واقعیت را تکاری میگردیم و کوشش در توجیه نظریه های خود داشتم نظر خود را به کرسی نشاند. و در اصل ۲۲ قانون اساسی که خودندوین کرده بود جمهی آزادی بیخش ملی الجزایر را به عنوان حزب واحد "پیشو" الجزایر معرفی کرد. علاوه بر این در ماده اول اساسنامه حزب تصویب شده بود که جمهیه آزادی بیخش الجزایر حزب پیشو خلق الجزایر است. و برای جلوگیری از وجود افراد ناگاه و اختصاص عضویت به عناصر ورزیده اساسنامه اعضاء را بدو گروه تقسیم کرده بود. اعضای وابسته و اعماق رسی گروه اول نه حق انتخاب کردن و نه حق انتخاب شدن در تشکیلات حزب را داشتند. این گروه می باشد که در این انتقال پیکال آموزش بینند تا شایستگی ورود در گروه دوم را داشته باشد.

پس از آموزش یکاله نیز در صورتی شایستگی ورود به حزب را خواهند داشت که گروه ویژه ای اکاهی سیاسی

منعکس کننده خواست و اراده واقعی مردم است "لذا فرحت عیاس اولین رئیس دولت موقع که پست ریاست مجلس را هم به عهده داشت ضمن ابراز ناخسندی از بروتی حزب بر جلس از سمت خوبیش در دوازدهم اوت ۱۹۶۳ استغفار کرد.

محمد خیدر که گفتم از جناح محافظه کار حزب بود معتقد بود که حزب باید تمامی مردم را در برگردان و در ضمن آزادیهای سیاسی و اجتماعی بیشتری داده شود تا نظام نژادی استحکام و نیز از محبویت بیشتری برخورد کند. در مقابل همانطور که اشاره شد به حزب خلق ایجاد نداشت بلکه خواهان جزیی بود که در این میان از آزادی تا حدود زیادی بر اثر ایجاد خبرنگاری که در شهر محل اقامت خود "میلاد" داشت مجددًا تحت نظر قرار گرفت و بجز اهمیات اول هم اکنون مطبوعات حق آوردن نام وی را ندانند) طبق مصاحبهای کشیده از اینکه محدود نظریاتش در محدود گردید آزادی انسانی و فناوری و فاعلیت میز بوده است، اذاعان نمود (البته این عدم آزادی تا حدود زیادی پس از وی نیز ادامه پیدا کرد) همچنان توسعه جناح غیرمارکسیست "پیشو" سنتم مطلع شده باشد وی بارها این نکته را یاد آورد. میگویند "هر کاه که واقعیت را تضاد با نظریه می دیده ما واقعیت را تکاری میگردیم و کوشش در توجیه نظریه های خود داشتم نظر خود را به کرسی نشاند. و در اصل ۲۲ قانون اساسی که خودندوین کرده بود جمهی آزادی بیخش ملی الجزایر را به عنوان حزب واحد "پیشو" الجزایر معرفی کرد. علاوه بر این در ماده اول اساسنامه حزب تصویب شده بود که جمهیه آزادی بیخش الجزایر حزب پیشو خلق ایجاد نموده است. و برای جلوگیری از وجود افراد ناگاه و اختصاص عضویت به عناصر ورزیده اساسنامه اعضاء را بدو گروه تقسیم کرده بود. اعضای وابسته و اعماق رسی گروه اول نه حق انتخاب کردن و نه حق انتخاب شدن در تشکیلات حزب را داشتند. این گروه می باشد که در این انتقال پیکال آموزش بینند تا شایستگی ورود در گروه دوم را داشته باشد.

پس از آموزش یکاله نیز در صورتی شایستگی ورود به حزب را خواهند داشت که گروه ویژه ای اکاهی سیاسی

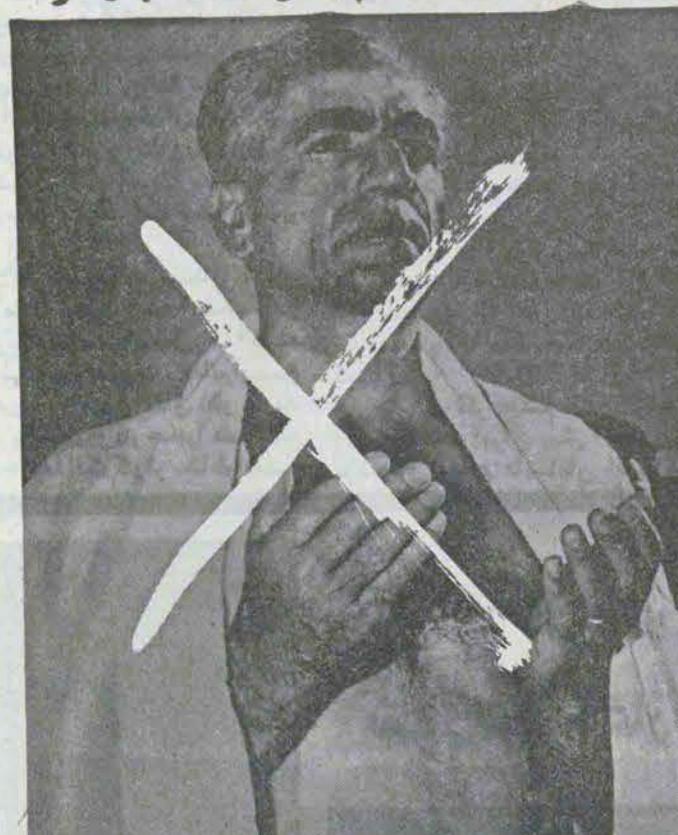
خود قدرت را در دست گرفت. بودمین بی آنکه راه حل های سویالیستی را طرد کند گروههای مارکسیست را از رهبری تاریخی استقلال الجزایر در دوره اقتدار و حکومت بودمین در قید حیات بودند (سه نفر دیگر در میدانهای جنگ کشته شده بودند) تنها یکنفرشان بنام "بیتارات ریاح" در کابینه آن دولت عهده دار پست کمانت و وزارت حمل و نقل بود. بقیه بینحوی تبعید و دو تن از آنها نامهای محمد خیدر و بالقاسم کریم بطری مرموزی بقتل رسیدند. اما آنچه در جریان این تغییر و تحول مورد توجه است سیستم حکومتی است که جمهه آزادی بیخش در پیش گرفت طی آن تمام قدرت رهبری در درون جمهه به صورت حزب واحد میانگردید. در جریان مبارزه گروهها و سازمانهای تشکیل دهنده، جمهه تا حدودی از استقلال برخورد کرد و با آنکه استقلال الجزایر شار جمهه بود حاکمیت مطلق آن خواسته می بود. با اینحال در چهاردهم اوت ۱۹۶۳ با فرمانی مبنی بر اینکه کلیه کنوار فعالیتشان منع است، نظام نژادی استحکام و فرمونیستی برای فرماندهی کل دلت از این مدت از سرتاسر دست داشت نظر خود را به کرسی نشاند. و در اصل ۲۲ قانون اساسی که خودندوین کرده بود جمهی آزادی بیخش می محل اعلام شد. از این تاریخ بعد کلیه مطبوعات، چاپ کتاب، و ادبی و تلویزیون و هر تشكیلاتی که بینحوی فعالیت سیاسی داشت دقیقاً تحت کنترل دلت قرار گرفت. و از آنجا که در این حکومت بود حزب پیشو خاصه شد، اینکه در جنگ افغانستان می باشد. در این مدت از سرتاسر نظریات گروه امارکیست نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسیو سویالیسم علمی نشان میداد چنانکه تو فرماندهی کل قل قوا را برخورد کرد و این بود اما بودمین با فانوتکاری نیم بینی که تا این زمان وجود داشت از نظریات گروه امارکیست جمهه نظری محمد حزب، عبدالعزیز زردانی عمراوzen کان بود. گروه فوق در سال ۱۹۶۴ اساسنامه ای را بتصویب جمهه رساند که به روشنی جهت گیری تازه کنوار را رسی

کر و عیست روز داشت:  
کسر از سی ک. بتو سبله.  
تابع اکثر اشات نبیند  
مدد بود حکایت  
بیکرد که اقدام  
کتر مصدق مد را ملی  
کردن نسبت نفت در  
ایران انتظور نتیجه‌گیری  
عمل آمد بود که حزبه  
کنونیست توده مخالفان  
صدق است راقدام بر  
قوط دولت اورا بر-  
رض عیداند

رومیت روزولت، رئیس سابق سیا در خاورمیانه

صدق با لحن ملایمی «منقی» بود. در ۱۹۰۵ پس از اینکه اینهاور  
بر کاخ سفید مستقر شد، فاستردالس، بینناک از اینکه مصدق زیر نفوذ  
سور و بها قرار گیرد، به روزولت دستور داد طرح کودتا را تکمیل و اماده  
جرا کند... گزارشی که پرسیله منابع اطلاعات تهیه شده بود در ۱۹۰۵  
پرسیله ترومن انتشار یافته بود و شش ماه قبل از طبقه پندی محرومانه،  
خارج شده بود، حکایت میکرد که اقدام دکتر مصدق در ملی گردن صنعت  
ت تقریباً با حیات مردم ایران بیو و شده است. همچنین مصدق یک خد  
خونیست سرسرخت شناخته شده بود و در پایان اینطور تیجه گیری بعمل  
نمده بود که حزب کمونیست توده، مخالف مصدق است و اقدام برای سقوط  
رولت او را برخود فرض میداند». روزولت در ادامه سخنان خود اضافه میکند  
که «بعقیده من دکتر مصدق اصولاً طرفدار کمونیستها بود و طرفدار  
خونیستها هم نمیگردید». و بالاخره وی اعتراض میکند که:

نسل مسئول و  
انقلاب آفرین  
امروز باید  
بداند که  
علیرغم پیروزی  
افتخار آمیز  
و غرور آفرینی  
که در این  
مرحله کسب  
کرده است،  
کشورش در  
برزخی میان  
مرگ و زندگی  
بسیار د



کرومیت روزولت: وقتی به شاه سابق گفت  
میخواهیم کود تاکنیم با سرعت استقبال کرد

السرئيس وقت  
ن جاسوسی  
فضل المزاھدی که نقش  
رابط افسران ایرانی و  
سیا" را بر عهده داشت

وینستون چرچیل ،  
نخست وزیر وقت انگلیس  
وقت آمریکا

آیینه‌ها و رئیس جمهور

وَالْمُكَبِّلُونَ

«من یا نام جعلی «لاکریچ» وارد ایران شدم و تنها سه نفر از هویت  
تعیین من اطلاع داشتم، یکی از آین سه تن شاه بود. من بدیند او رفتم و به  
گفتم مصدقی را عذر کند و سرشنگ فضل الله زاده را به نخست وزیری  
نمایم. شاه این پیشنهاد را با مسرت استقبال کرد. فقط میخواست اطمینان  
صل کند که از او پیشتبانی خواهد شد. پاتوچه به احترام و پذیرانی که  
ومن و آجمن در ایالات متحده از دکتر مصدق بعمل اورده بودند، اکنون  
خواست مطعن شود که دیگر از مصدق حیات نخواهد شد.... طی  
اقات کوتاهی که با او داشتم او متصاعد شد که ماترتیبات لازم را برای  
عام کودتا داده ایم و این توافق با اظهارات وینشتون چرچیل و ایزناوار،

برینه ایجاد بلو و اغتشاش های خیابانی که ۳۰۰ کشته بجای گذاشت و رلت ملی مصدق را ساقط کرد، در اختیار داشته ولی فقط ۷۵۰۰۰ دلار آنرا برج کرده است.  
وی در مصاحبه خود داستان چگونگی کودتا و سقوط حکومت دکتر مصدق را اینگونه شرح میدهد:  
«سیا پس از تبادل نظر با انگلیسها، تصمیم به سرنگون کردن دولت مصدق گرفت. ما اوضاع ایران و از سال ۱۹۵۲ موردن پرسی قرار داده بدم و انگلیسی ها از مدتی پیش از آن تاریخ در زمینه پیشنهاد کودتا در ایران با ما وارد گفتگو شده بودند.... یعنی در سال ۱۹۵۲، موقعی که سفیر انگلستان را از اخراج نمودند...»

هر حال رشد روز افزون نهضت خواب از دیدگان صاحبان سرمایه های  
و غارتگران بین المللی ربوه بود تا آنجا که آنچوی ایدن نخست وزیر  
انگلیس در کتاب خاطرات خود می گوید:  
... خیر سقوط مصدق از اریکه قدرت زمانی بمن رسید که با همسر و  
در کشتن میان جواز یونان در دریای مدیترانه مشغول استراحت بودیم  
از مدت‌ها انشب خواب پسیار خوشی داشتم....  
سرانجام پس از عقیم ماندن توطه های اقتصادی از جانب دول انگلیس  
و ریکا و سکوت و همگاری رویه شوروی به جنای غرب و بی شر  
د سیسیه سی ام تیر که به همت ریزه خواران بیکانه به رهبری لژ  
سیمونی بهلول، تدا ک دیده شده به مرد خشن شدن قطعه تند معا

پدیده های مستمر و پایا)، به تاریخ و انسان و جوامع بشری، راه را بر فریبکاران و قدرت طلبان ضد پسری یکسره مسدود نماید. و تا انسان مستضعف با مجهر شدن به چنین سلاحي، و راثت خویش را بر روی زمین تحقق بخشد و رسالت رهاتی انسان درین «جور» و «جعل» را به انجام پرساند. و تا دیگر سراب هایی از نوع «سوسیالیسم»، «کمونیسم»، «کاپیتالیسم»، «لیبرالیسم»، «ناسیونالیسم» و... او را نفرید. چرا که در نگرش قرآنی، اینها علی رغم تمامی گوناگونی نامهاشان و غیرعلم کباده های رنگارنگی که از «علم»، «ازادی»، «تدنی»، «تکامل»، «رشد»، «سعادت دنیا»، «رنستکاری آغرت»، ... را بدش میکشند، همکی از یک سرچشم سراب مشومند و از سرچشم شیطانی «زور» است و بعیارت دیگر اینها هیچ نیستند مگر همان «بیت عیار زور»، که هردم «زنگی بدرآید»، و گاه قبای سرخ کمونیسم پرتر تن میکند گاه در هیبت سپید کاپیتالیسم، رخ مینمايد و زمانی نیز ردای سبز مذهب بر تن میکند. و این است همان بزرگترین فریب تاریخ و تاریخ فریب. (جهت اندريافت این ساز و کارها رجوع شود به سوره القصص آیه های ۳ تا ۴۱ - آنبایه آیه ۲۲ - التحلیل آیه ۳۴ - بفره آیه ۳۵ - مانده ۱۱ - ص آیه ۱۰ و ۱۳ - الرعد آیه ۱۳ - انفال آیه ۵۱ تا ۵۳ و....) و.... امروز یکبار دیگر خلق مستضعف ایران در چربان یکی از حساس ترین فرازهای تاریخ مبارزان خویش قرار گرفته است. جنبش انقلابی امت

رمایه داری درباره برانداختن دولت دکتر مصدق و تلاشی نهضت ملی ران به توافق رسیدند و بدین ترتیب سازمان «سپا» و اینتلیجنت سرویس لکلیس ابتکار عمل را در زمینه سرنگونی دولت مصدق در دست گرفتند. این پس از ملاقاتات با ایرانیان، در قسمتی از گزارش تذکرافي خود به شست وزیر چرچیل، ضمن شرح راه حل هائی که با دالس بررسی گرده اند

.... دالس گفت اگر اخرين پيشنهاد مارده شود ما (آمريکانها) ناگزيريم  
گشين و وسائل تصفيه و سایر مائشين الات مورد لزوم ايران را به  
دان بفرستيم. ولی من ياداور شدم که اين کار از نظر روابط آمريكا و  
گليس درست نیست و از نظر سایر شركت هاي نتفی مطرود است.  
آخره من مطرح کردم بعای اينکه با مصدق معامله کيم در دنبال جانشين  
پاشيم..... (خطاطران ايدن)

«دبيود و اين» و «توماس راس» ماموران پيشين «سيما» در كتاب «دولت  
ترني» در اين باره مي نويسند:

«كارگر دانان اصلی کودتاني که دولت وقت ايران را سرنگون گرد يك  
موس در خدمت سيا و نوه تندور روزولت، رئيس جمهوري پيشين  
لات متعدد بود. او گرومنت «کيم» روزولت است که هفتمين عموزاده  
نكلين روزولت هم هست و هنوز که هنوز است در چارديوار «سيما» به  
دانی از عملیات خارق العاده اش در تهران، در حدود ۲۵ سال پيش، به  
ای ايران» شهرت دارد.» در قسمتی ديگر از كتاب فوق آمده است:

«دول انگلیس و آمريكا متفقا همصمم شدند مصدق را سرنگون گند.  
پيش يبنی «سيما» شرط انتظاري موقفيت کاملام مساعد بود و می شد با يك  
لت نهاي، و قادر اي مردم ايران را به شاه، جلوه گر ساخت. رهبری عملیات  
بهده «کيم» روزولت قرار داشت که در آن هنگام رجاسته ترين عامل.  
» در خاورميانه پشمear هيامد. روزولت مطابق مقررات متداول وارد  
ن شد. او با اتوبييل از مرز به تهران امدو ناگهان از انظر پنهان شد. او  
قبل ام مدتی در ايران بسر برده و از اين رو چهره تي اشنا به حساب  
دند، ناگزير بود اتفاقی نگردد و براي گزيره از عمال مصدق که همواره  
ش بودند، محل سداد عملیات خود را کارا عوض ميکرد. روزولت دور  
محذوه تحت حمایت سفارت آمريکا عملیاتش را دنبال ميکرد. بدینه  
که پنج آمريکان ديرگ منجمله پاره تي از عمال «سيما» که در سفارت  
با او هسكاري ميگزند. بعلاوه هفت تن جاسوس محلي، از جمله دو  
گردنان رجاسته جاسوس ايران بودند و تشریک مساعي ميگزند. با اينکه  
دونفر در تمام مدت جيavan عملیات به سلله، ابط ها، خ. ۱۰۰-۱-

## حمد تاجیک

آن مادر اوای شکوهمند انقلاب در میان فریادهای رعدگونه را فرین مستحقان و در سایه توافقنده ترین خشم و خوشها به افریش از بزرگترین حماسه‌های تاریخ پسری دست آزیده است.

حماسه‌ای که پاسخی بود منطقی به ۲۵۰۰ سال اسارت، شکجه، اد، استئمار، استحصار..... حماسه‌ای که امواج خروشانش چونان، بنیان گن طومار رژیم جهنی پهلوی را در هم نوردید و سرانجام ب در پستی از ایمان و ایثار و خون و شهادت پیروز شد. با اینحال مسئول و انقلاب افرین امروز باید بداند که علیرغم پیروزی رامیز و غور افرینی که در این مرحله کسب کرده است، گشورش در میان مرگ و زندگی پسر میرد و کوچکترین غفلت برایر است با کامل و شکست مرگبار یک ملت بزرگ و خداش وارد آمدن به مکتبی که میباید رسالت رهانی انسان این عصر را بر عهده گیرد. امروز باید بدو بازرف اندیشی تاریخ گذشته و حال تلاشها و نهایی ملتمنش را در میازده استقلال ژرف نگرانه دنیا کند و اسیاب و شوم را که بسیاری از پیروزی های بزرگ‌جان را به شکست کشانده اندرباید. این مقاله که تلاشی است ناجیز در جهت تحلیل گودتای ۲۸ مرداد ۱۳۴۲، در خدمت چنین ضرورتی به رشته تحریر درآمده است.

بن نوشتار کوشیده شده است تا عواملی را که سبب گشت تا امپریالیسم تبعاع قادر کرد قیام شکوهمند ۳۰ تیر را در ۲۸ مرداد پاسخ دهد. ناسی شود چرا که «هر حرکت اجتماعی بالنده و بت شکانه و طاغوت ز از پست تاریخ آگاهی و زمان آگاهی می‌روید و بزمینه ادر اک ما روز و امروز می‌بالد.»

گودتا آفرینان

The image shows a vertical decorative panel. The top half consists of a series of alternating black and white vertical bars. In the upper right corner, there is a cluster of twelve black six-pointed stars arranged in a roughly triangular or fan-like shape. The bottom half features a large, stylized black and white graphic element that resembles a floral or leaf motif, possibly a stylized 'K' or 'F'. The entire panel has a textured, paper-like appearance.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 گودتا، بمثابة حرکت هانی ضد مردمی و در راستای تحقق پخشیدن به  
 بهره کنس و دریند گردن خلق های مستضعف، همواره در طول تاریخ  
 استمرار داشته است. اگر چه این پدیده در تمامی زمانها یا نمودهای یکسانی  
 بمنصه ظهور ترسیده، لکن بشاهدت تاریخ سراسر رنج انسان، از ماهیتی  
 یکسان برخوردار بوده است. ماهیتی که در یک کلام مکانیسم و علت  
 وجودی «طاغوتیان» و «فرعونیان»، تمامی طول تاریخ بشر را تشکیل میداده  
 است.

کودتا  
آفرینان،  
خداآوندان  
«زر، و  
ذور، و  
تزویر»







## آگهی استخدام

وزارت بهداشت و بهزیستی  
سازمان منطقه‌ای بهداشتی و بهزیستی استان مرکزی

آگهی استخدام تکنسین بیمه‌شی  
پیمارستان نور افشار احتیاج به ۲ نفر تکنسین بیمه‌شی  
دارد. از داوطلبین خواهشند است در اسرع وقت با  
در دست داشتن دارکوب کارگری بهداشتی استان  
تهران واقع در خیابان دکتر شریعتی مواجه نمایند.

سازمان منطقه‌ای بهداشتی استان تهران

جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی صدر، رئیس

جمهور محترم کشور جمهوری اسلامی ایران

شکر خدا را که جان رئیس جمهوران و همراهان در  
مدیریه شرکت ملی نورد و لوله اهواز از خداوند بزرگ  
حفظ و سلامت و توفیق شما را در خدمت به مملکت  
اسلامی ایران مستلت می‌نامیم.

شکر ملی نورد و لوله اهواز

این حادثه هوای محفوظ ماند. کارکنان و هیئت  
مدیریه شرکت ملی نورد و لوله اهواز از خداوند بزرگ  
شود از درجه اختیار سقط می‌باشد.

رسی دادگستری سید سليمان ولی

آقای حصر و رات

آگهی استخدام اسکندری به شرح بروند ۳۴۵۶۹ مدنی اعلام نموده که علی ۳۴۵۶۹

اکبری همراهی را که فرزند علیشاه در تاریخ ۲۱ آگوست ۱۳۵۶ مدنی اعلام نموده که در قریب هزار و

ارک و قزوین شهرت داشت و در پنجه گرفته شد و می‌باشد که در ۲۱ آگوست ۱۳۵۶ مدنی اعلام نموده که در قریب هزار و

حکم این اکبری همراهی مهربانی (مادر متوفی) و محمد، مصطفی و نبول و اکبری همراهی از خداوند بزرگ

شده است که پس از تیز به کلاس هشتم ۱۳۵۷ مدنی ثبت وسیع از

تشریفات قانونی و استعفای شهود مرآت بدینویسه در بین

آن روزنامه های کشور سه نوت متوالی رو تیز مدت بکاهه درج

و منسق می‌گردید که هر کس که اعتراض دارد یا وسیمه‌ای اعماق

سری و رسی که نزدیکی باشد در فرهنگ اقتصادی ایران و در فرهنگ

اینصورت هروننه اختراع و وسیمه‌ای از سوی که بعد از این

شود از درجه اختیار سقط می‌باشد.

رسی دادگستری سید سليمان ولی

آقای حصر و رات

آگهی حصر و رات

آقای حصر و رات



دکتر عبدالکریم سروش

نگرانی من از موضوع  
موجود عبارت از  
دوام است:نگرانی اول بخاطر  
قبليات سوء است که

در محیط آشناهی امروز

صورت میگیرد، علی الخصوص اگر کمالهای

تبليغاتی در دست افراد بخصوصی باشد

نگرانی دوم عبارت است از نوعی مبارزه با

اندیشه‌های عالی معنوی مردم توسط کسانی

که خود از فکر ضعیفی برخوردار هستند

این تعامل مضر است و  
اتفاقاً این برخلاف نظریه

خیلی افراد که معتقدند

هم خطرناک است و اسلام را

قسمت تعامل، یک تئوی

دارد که میگوید: بزرگترین

حوادث تاریخ و قتنی

اتفاقی اند که قبل از

آن یک تعامل در زمینه

های سیاسی و تاریخی بر-

قرار شده است در حالتی

تعامل یک نیروی کوچک

میتواند تعامل را بهم

بزرگترین تبلیغاتی

میگیرد، این نیاز است

نوع تعامل در آن برقرار

شده است بلطف نیروهای

نگرانی و سیاسی یعنی اینکه

اینها که خود از فکر ضعیفی

برخوردار هستند و اینها

اندیشه‌های قوی را نهاده

بتوانند به یک طرف بکشانند

بسی الله الرحمن الرحيم

عرض کنم که بیم بنده

عبارت است از دوام را کی

سیاست بازیهای بعضی از

پیاسته‌داران بخاطر سخ

بعضی از اندیشه‌های عالی

معنوی در بین مردم، و با

تحريف بعضی از حقیقتها

آنها را راه راههای و به

دنیاواره رو تحت نام

حقیقت طلبی سوق دادن،

یعنی بطور کلی بیم اصلی

من یکی بخاطر تبلیغات

سو است که در محیط

آشناهه است زیرا مادر میگرد

علی الخصوص اگر کمال

را کلماً کند جامه ها

ایرانش این است که یک

افراد بخصوصی تعامل

اینست، بنابراین وزنگویی

که شما به یک طرف اضافه

کنید میتوانند طرف دیگر

را کلماً کند جامه ها

ایرانش این است که یک

نوع تعامل در آن برقرار

شده است بلطف نیروهای

نگرانی و سیاسی یعنی اینکه

اینها که خود از فکر ضعیفی

برخوردار هستند و اینها

اندیشه‌های قوی را نهاده

بتوانند به یک طرف بکشانند

و ناماکار با پیشرفت

کند و به قدرت رسیدن

خود میانند. ریشه مشکل

به نظر من عبارت است از

فرهنگ ضعیف و بی‌رسیهای

که درین مملکت میتواند

موج و طوفان قوی در مملکت

ایجاد کند. بنابراین آن

نیرو و اندیشه قوی که من

میگویم آنچه ای است که

خدت عالم است به معنای

کنونی و آنندیشه‌ها

از نوع عرفان و فلسفه

نیست و در همه‌مینهای

است مسلمان" در مملکت ما

این از آن نوع اندیشه

هایی باید باشد که از ای

منوبیت قوی برخوردار باشد

و باید حل مشکلات

سیاسی اقتصادی ما نیز

باشد ولی ما به هر حال

به عالم خاک از عالم

بالا نگاه میکنیم نهایه

به عالم بالا از عالم

خاک نظرکنیم ما پارسیان

روی در مخلوق نیستیم

که بیش به قله نصان

بگیرید. باید کنندی

قوی اید و بدر برای گونگی

توزع آن راه بیدا کنند

امروی است که باید از ای

نگرهای خود را در این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

روشی دارد، ولی نفس

اندیشه چنین چیزی بوجود

اید و بدر برای گونگی

توزع آن راه بیدا کنند

مشکل ایهاد از این

جهت کنند و روزانه

ملت پخش شود. بعلاوه

پخش و توزیع آن خود

روشی دارد، ولی نفس

اندیشه چنین چیزی بوجود

اید و بدر برای گونگی

توزع آن راه بیدا کنند

مشکل ایهاد از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

و این اینجا از این

جهت کنند و روزانه

جهت دارد که از

شکنندگی

امروی است که اوضاع روحیه

درسهاي اذ قرآن

رمحضر اُستاد  
lahoti



این چیزها را که می بینند گن و شماکه چشم سرمان بیناست آن حقیقت عبادت را کمی فهمند آن که از آن نمود کلاهی دارد و عرفان داشته باشد از آن سرمایه دارد و لذا توی طیاره هم همان را دارد و اینجا هم که می‌آید همان را دارد. این است که دیگر آنوقت می‌توانیم بگوییم ما همه سرباز توئیم خمینی . آنوقت ما در قسمت حمله اینطور می‌شویم که می‌گوییم ما چهره خد امیرالسنتی امام را قبول داریم و اگر اینظبطی باشد این تقلاب آن حقیقت را که باید نشان نمی‌دهد آن زهداللیل و اسدالنیاهار ایشان نمی‌دهد آن حقیقت یک مسلمان را نشان نمی‌دهد کما اینکه بینند نشان نمی‌دهد، این است که آدم باید حالا خود را وارسته شان بدهد. وارسته شان دادن که کاری ندارد وارسته شدن کار اراده، آن آدمی که بعد از بیمارستان می‌رود زیر سعدآباده توی یک غافله، آن خانه زیاد طاغوتی هم نیو، اگر این طاغوتی است پس این آخوند چیست؟ خیلی از این افرادی که سردمدار می‌بازند در خانهایش بزرگتر از آنجا زندگی می‌کنند، شما بروید این آقایان را که نمی‌دانند مستفعلن را اداره می‌کردند بینندیده. یا همین انفلاتیون ها که بیلی هم بز می‌دهند همین ها خیلی هاشان در خانهای زندگی می‌کنند که بزرگتر از خانهای است که امام در آن به عنوان یک سناجر زندگی می‌کرده‌اند! این روح طوطی دیگر است . من آنجا رفتتم سه طبقه بود که طبقه زیرین دفتر ایشان بود و طبقه دیگر مال خانواده ایشان خانم و دخترها و عروسشان بودند طبقه بالا هم آقای بودند یک حیاط هم داشت ، چمن داشت و وسط هم دند حوض بزرگ بود. استخرنی بود یک حوض بزرگ بود و آب زلالی هم داشت و زیر آن یک لامپ روشن بود. آب صاف بود. آقای خمینی ساقی را هم متوجه می‌شود خیال نکنید حالا اصلاً بین آب گل - لولو و آب صاف تمیز نمی‌دهد. او خیلی هم آدم هوشیار و با رانه‌را کی است و همه این چیزها آب صاف و آب کل آلوخانه کوچک و دارانه بزرگ را خیلی بیهتر از ما می‌فهمند و بهشت خدا هم در این شهرستان جنگ که است

روایت هم دارد او همه این را خیلی خوب می فهمد و مقدمه  
بی هم نمی کند . تقدس ندارد ، قدس دارد ، این قدر است به  
مانه خرابی بیار آورد / قدس که چیز خوبی است . او قدس دارد  
و بوب رفته به آن خانه آقا شروع کرد به اظهار ناراضایتی کردن من  
پرسشان پرسید که تو را به خدا آقا چه کار می کرد ؟ گفت شروع  
کرد به شکایت کردن می خواست بخوابید غیبت این آخر عمری بین  
کجا آورده اند . می خواست صبحانه بخورد می کفت حالا اگر من  
بیرون رویتان می بود مرد از این خانه بیرون ببرید من ناراحتمن این  
مانه طاغوتی است و من نمی توانم در این خانه بخوابم خوب آنجا  
می شد خوابید ، گفتم فهم او نمود بالله در حد من و شما نیست  
خوب میتوانید سائل را دریافت کنید  
آن روحی که این آدم را می سازد و این جسم را در اختیار  
مگیرد و این فکر را در اختیار می گیرد طوری دیگر ساخته شده است در مکتب  
ورودگار ادب شده است . در مکتب پروردگار قرآن خوانده  
است مثل من نیست که مثل شما نیست و مثل هیچ کس نیست کما  
که می بینید مثل هیچ کس نیست . شما خجال می کنید و این  
بریاناتی که پیش می آید آدم وحشت می کند و می بروند آنجا پیش امام  
گفت که اجازه بدیده اوضاع را بحرانی اعلام کنیم یکی گفت  
من ... آقا گفت هیچ خبری نیست . گفتند آخر آنجا وضع بحرانی  
ده . امام گفت نه هیچ طوری نشده آرام است . دیگر گفت به کجا  
رسد ؟ کجا به کجا میرسد ! تو سائر الی الله هستی آنجاشنستهاست  
هي گله کرد تا آخر رفت به جماران نوی اطافی ده مال خودشان  
ذکر می کند که دونتا آنچ تو در تو دارد . ۲۰ بعد هم می آید .

پاپی که حاموادهاش هست که مال امام حداقاتی بود. حالا آنها  
م گرفته بود. جرا؟ جون او میگوید که با وصیتکه مردم او برایش  
دم مطرح است، او میفهمد که او مسئول است، او میگوید کافی است  
 فقط بگوئید رهبر، والامی بینید که میگوید بیتر است بنی بکوئید  
 دستگار تا بگوئید رهبر، این پیداست که در او ناظر نیست در او  
 ک جیله نیست، این یک واقعیت است. آدم چطور و چه کار بکند که  
 سلطور بشود و آنوقت براستی بگوئید ما همه سرباز توئیم خیلی،  
 بن اینکه ما همه سرباز توئیم که کاری ندارد، تا آنجاتی که اگر  
 ندان سلطنت هم بباید اینجا می گوئیم که مسا  
 ما و خاندان سلطنت همه سرباز توئیم آدم چکار بکند که  
 لوری بشود؟ همه اینها مقدماتی بود برای فهمیدن یک آیه قرآن  
 اول خواندم و در کنارش یک روایت میخواهم بخوانم تا حسابتان

حساب روزها و ماههای دیگر جدا و منحصر نبند و اما بعدها رهان  
ن آقای خمینی یعنی امام همین الان هم، مثل ماها نیست چون  
هم مثل او نیستیم، من بینیم که محدود هستیم دیگر! ما همه آب  
نم اما خاصیت بحر نداریم. خاصیت بحر ایست که هم رطوبت  
اد بکند هم گرم‌ا. هم سیزه بدمد هم بخار از آن منتعاد بشود  
باران بدهدهم ایر درست کند، همه انسانم و انسان هم شکل  
ست؟ باید صفت خدایی داشته باشد. بیشتر ما غیر شکل خدا  
نم، صفت شیطانی داریم، یعنی هر صفتی که شیطان دارد. میبینند  
نسان در خودش جستجو میکند جنبه‌های مکروه و حیله و نیزگ و  
ب گوشه بیجا دادن و غیره که صفت شیطانی است و انسان  
میبیند که آنها را دارد. جکار بکنیم که مثل شیطان نباشیم؟ همین  
روز پیش از پرس ایشان پرسیدم که به من بگو ۲۴ ساعت را ایشان  
ز میکنند. و هری انقلاب چکار میکنند گفت ۱۶ شب من خواهد،  
ساعت حداقل به اذان صبح مانده بیدار میشود! الان چهل سال

اینجه بیشتر است من پندت سیمین چهل خاد پیچه  
هم میشود که نماز شب او مکث از ۲ ساعت نبوده و هیچ شیوه  
نکرده است و خدا میداند که قدر لذت دارد و شما و من  
آنیم که ذکر خدا قدر به انسان لذت میدهد. لذتی که در  
نه سیدا نمیشود در گوگ زورخانه پیدا نمیشود و در مقام پیدا  
میشود و در پیش تازی که البتة اینها رامن دیدم پیدا نمیشود؛ در  
ت هر کسی پیدا نمیشود و در مبارزه مخفی پیدا نمیشود. در اسلحه  
دن پیدا نمیشود در ععظ و خطابه پیدا نمیشود در زن و بجه  
نمیشود؛ در خانه بزرگ پیدا نمیشود؛ در وکالت که اگر مقام باشد  
نمیشود و در وزارت و ریاست جمهوری پیدا نمیشود؛ در تمام  
حاشیه که میشود گفت پیدا نمیشود؛ به آن پیدا نمیشود! توام با  
است توام با محرومیت است اگر در آن خدا نباشد؛ اگر در آن  
رسنی باشد؛ آنچنان آدم خائف و خارس میشود. ولی بکوقت متوجه  
میشود که میبیند کار از کار گذشته و دیگر راهی ندارد. قرآن آمده  
نهن را از آن ندانمها و بشیمانیها و از آن حسرتها نجات  
ده. ما مهدوکتاب لایقادر صفره و لاکبریه الا اهداها یا حسرتا  
العیاد. از آن حسرتها اماز آن جیزه هایی که آدم بعد از رسیدن  
میشود؛ دردید که آدم به یک کاری که خوبی و لعل دارد گهم  
و گوشها کور و گر میشود تا به آنها برسد؛ وقتی که میرسد  
ند چیزی نیست هیچ چیزی نیست علی کل شمی؛ بشنوید  
رها و خواهرها و فرزندانم علی کل شمی". فرار بود من یک  
ت صحبت کنم و بکساعت پرسش و پاسخ باشد که الان نیم ساعت  
وقت داریم چون بعد از نماز مغرب و عشا هم باید برای  
ران جای دیگر بروم

پاسخ یهر وزر رضوی «گوینده صدای جمهوری اسلامی» به فواد کریمی نماینده اهواز

در انقلاب جهان و امیریالیسم از روپرتو، مثل خبرهای هنری هفته، میزگرد هفته کودک، مصاحبه با وزیر صنایع، مصاحبه با دکتر بنی-صدر، اجرای ترجمه مصاحبه با پل ولیسی، برنامههای نوروزی، تهیه و تنظیم برنامه امام آمد، بهارها، همه و همه را گیان بوده. البته هنوز هم مبالغی از عطکرد گذشتم اگر به حساب آیه طبلکارم. و در همه اینها آیا جای پای فساد و واستگی و تعامل به چب ملاحظه فرمودماید که دیگر دست اندکاران دوربرنامه، اخیر هم از نوازش دوستانه شما محروم نماندند.

برادرم وقتی کلمه و استه یا فاسد را در رابطه با معرفی چون منی که تعداد شناسنده‌گانم کم هم نیستند بکار میرید کسی در ماهیت من تردید نمیکند. در ماهیت دیگر حرفاها شمات کتر دید میکند، حتی اگر سفیدی ماست را شهادت بدیدم با سرخی خون را و آیا اینست خونهای شهدان گلکون گفتمان - که من با خوشبینی تعبیر کنم - شما در رابطه با اختلاف بجا یا نابجا بایان از یک هم کرسی از هر سیلواهی ولو گزارش نیم بند و غریب‌آسود گوارشک دروغ - پردازی که نام کسانی در آن قید شده سود میرید - البته اینجا ضر بردید - یا بدینهای نه تنرش در رابطه ما نافع گروهی و حزبی از آلودن همچ یاکی و از پاک جلوه‌دادن هر نجسی ابا نداشته باشد.

من (هرگز به وسغ و جربزه خودش) هفت ماه ببکاری کشیدم یکسال گلوباره کردم و مرگ برثأه، آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی را فریاد کردم و در رابطه با دفاع از دوست دانشجویی ۳ ماه کنک خوردم و بازداشت شدم که چون تو نا نازنی نمایندگانم بشود! . این بود تعبیر خواب و رویای ما؟ این کاپوس و حشتناک که من در چهاردیواری خانه‌ام از شر زیان تو، پشت بیکوفون و تریبونی که رای‌های دیگرانی چون من به آن دست بافتمن در امان نباشیم؟ هرگزگردی زبان و قلم دست خودم نیست و فراز از این هم نمیروم - گو اینکه اندامی شدیدتر جایز است و حق من ولی در این تراویط گفته "امام" و دنی نظر است که "مجلس را تضعیف نکنید" - و یا خود دزمیان میکارام تا اگر گوینده این حرفاها مستدل را - دلیل را هر حرفش # مخواهی با شهود (نه از آن دسته شهودی که آن گزارش را داده‌اند) و همه لوازم تقدیم خواهم داشت - در خور آن ی مهری نیافتی، پوزشکی چاشنی نخستین سخنرانی قبل یا بعد مستورت کنی. برای تو و همه برادرانم که چشم‌های امید فراوانی روشن دوخته شده، آرزوی سعه صدر، و سعی مشرب و دریافت صحیح دقیق از وظیفه‌ای که بر عهده دارد میکنم. و در این صورت ابتد ملت از انتخاب نمایندگانی چون شما احساس ندامت و غیرن خواهدگرد. ولا الله اعلم

با احترام - بهروز رضوی

رئیس جمهور در مقابل ملت مسؤول است  
و نمی‌تواند استعفا دهد

بسهنه تعالیٰ

و فنیک مصاحبه رئیس جمهور  
در دادگاه ایشان رادر روزنامه‌ها  
نویند که در ضمن گفته بودند  
استعفای خود را داده‌ام تعجب  
بردم که جطور ممکن است رئیس  
جمهور که منتخب یک ملت است  
استعفای دهد رئیس جمهور یعنی  
امام ملت استعفای او توهین به  
را، ملت شهید داده و مستکلیده  
ست و چنین حق براي او  
بیست او باید در برابر امواج  
لاها و دیسیمه‌ها مانند کوهی  
نشتوار مقاومت نماید خود در میان  
تفاقی را با ملت خود در میان  
ذاره و مشکلات را پایشتبانی  
ها قاطعه از جلو خود بردارید  
نگذارد نیرنگی بازان مردم  
کدل را بفریبند و وظیفه رئیس  
جمهور است که مملکت را از هرج  
مرج نجات دهد و وظیفه‌ها را  
شخص نماید و نگذارد غیر —  
سئولین ناگاهه در امور مسئولین  
حالت کنند و یا به نام اسلام  
نادانی یا اغراض شخصی ضربه  
بلکه به دین وارد سازند و  
مورت که در اسلام آنهمه به آن  
کنید شده کنار گذارند و عقیده  
ود را تحمل نمایند باید

من فعلاً "نمی خواهم اسمی آنان را ذکر کنم به هنگام طرح لایحه وضع مشروبات الکلی که خواسته ملت مسلمان و مورد تائید آیت الله کاشانی بود مرعوب قدرت ماقم وقت شدند و به همه میانی عقائدی واسلامی خود و خواست حقوق ملت مسلمان پشت پادند و فتوی باداهم مصرف مشروبات الکلی دادند آری و حانی و عمامه سر بر بودند قطعاً قلباً هم از عمل خود خشنود نبودند ولی شخصیت و جماعت اخلاقی لازم را داشتند که از شرع مقدس اسلام قانون اساسی که برای حفظ آن مسکوند یاد کرده بودند دفاع نشوند. آقای محلاتی شما هیچ چیز از ملل آیت الله کاشانی و دکتر مصدق و علی سقوط نهضت را می دانید و شاید این امر گناه ما محسوب نشود ولی تاروا و بدون ابراز دلیل بیکوئید دکتر بیانی بین آیت الله کاشانی و دکتر مصدق اختلاف داشت. این توجه باطل اگر وجه داشتید بزرگترین اهانت مقام آیت الله کاشانی است که را تا این حد پائین میاورید هر کس بنواند او را تحتم

نشدهام . چرا که پاکسازی دلیل میخواهد و از بخت بد - نه برای خودم برای شما که از من به عنوان شاهد مثال نام بردید - در من دلیلی برای پاکسازی یافت میشود . کما اینکه وقتی مدیران گفتشند ساعات کار رادیو (آخر پخش رادیو ۳ مدیر دارد) تصمیم گرفتند ساعات کار گویندگان را اضافه کنند و در نتیجه گویندگان را کم . مرآ که فقط یک نمیخواهیمت خروج داشت یاک نکردند و به تولید رادیو منتقل گردند که البته من بخاطر اختلاف سلیقه و نظری که با مشمولان تولید رادیو داشتم خود نهایت قدرم . المتنی آن حکم و این پاسخ ضممه است . بعد از آنهم با تلویزیون همکاری داشتم و برنامه سیما مشمولان را ضبط میکردیم که در رابطه با تغییر و تعویض مدیران ، آن برنامهها بکل قطع شد برای مزید اطلاع اینک هم از جانب تلویزیون دعوت به همکاری شدهام .

حال اگر یکی از راههای پاکسازی قبل افراد از پخش به تولید است یا از رادیو برداشت و در تلویزیون بکار گماردن و بعدهم دعوت مجدد . من و شما باید از مشمولان صدا و سیما که داشته باشیم . که چرا عملکرد آنها طوری بوده که حالا زیان من دراز باشد و شما را به - احتیاط بکویم - انتباه در استنباط نهایم کنم .

و برای بیشتر آشنا شدتنان با روز و روزگار دقایقی دیگر مصروف خواهیم بود . ۹ سالی میشود که جسته گریخته در رادیو تلویزیون قلمی زدمام و با صدایی که پر بدگ نیست - شنوندگان را - منهاي شما چرا که اگر نوع حرfovایی ما سبده بودید مرآ درخور پاکسازی نمی یافتد - بله سر شنوندگان را بدرد آوردیدم البته قبل از انقلاب فقط هفتمنی نیم ساعت چرا که آن کار فقط فمri بود برای عماش . وقتی اعتصاب در تولید رادیو شروع شد (۲ ماه پیش از پیروزی انقلاب ) چرا اولین کسانی بودم که اعتصاب را همراه شدم و به جرم این همراهی از آجانی که کارمزدی کار میکدم . دیناری دریافت نداشتم در حالیکه کارمندان رسمی دست کم حقوقشان را دریافت میکردند . و نخستین روز پیروزی انقلاب که برای عرض تبریک با شوق به پخش رادیو آمد ، وظیفه گویندگی مین کلیف شد و دیگر گویندگی در رادیو انقلاب و مدعای انقلاب اسلامی نیک و عاری نبود که شانه خالی کنم . سخت ترین ساعات را انتخاب کردم . راه شب را و دقیقاً تا شصت ارديبهشت ۵۹ دوشنبه روز درمیان ۲۴ ساعت بیداری کشیدم و هر روزش را نیز بکار مشغول بودم . اگر بکوئید خوب پوش را گرفتندی با اینکه اگر هم کرفته بودم . جرسی نبود ، خواهم گفت نه برادر به شهادت دفتر و دستک سازمان همه کزار شهاب از نماز جمعههای زنده یاد پدر طالقانی نازنین و بزرگ ، و مراسم تدفین و ختم و شب هفت آن پیر بیدار دل ناگزار شهابی بر - افتخار دیگری چون سالروز پیروزی انقلاب - ۲۲ بهمن - و وزاعلام جمهوری اسلامی - دوازدهم فروردین به رایگان و فی سبیل الله بوده همینطور هم برنامههای تلویزیونی تا پیش از برنامههای سیری

پاسخ بیمارستان قلب مهدی رضائی  
بسمه تعالیٰ  
در مددح ۷ شماره ۳۱۴ مورخ  
۵۹/۵ آن روزنامه تحت  
عنوان (بیمارستان قلب مهدی  
رضائی در خطر است) به چاپ  
رسیده، خواهشمند است پاسخ  
بیمارستان را در همان صفحه  
روزنامه جهت اطلاع خواهندگان  
به چاپ برآوردند.  
منظور نامه آقای دکتر  
اساعیل محمدی رزیندنت بخض  
اطفال این بوده که با نیمه وقت  
شدن کاربیمارستان سطح آموختی  
و درمانی این مرکز نزول خواهد  
کرد که خوشبختانه پس از  
مطالعات و بررسی بروی این  
طرح در بیمارستان قلب مهدی

رضائی اصلاً اجرا نشده و  
مطابق برنامه قبلی از خدمت  
تمام وقت استادان و پزشکان  
بهره‌مند نباشد.

با فرق تصری که دست داده  
با اطلاع عموم ملت ایران  
میرسانم هیچ‌گونه خطوط قادر به  
نهدید بیمارستان قلب مهدی  
رضائی نبوده بلکه با همت و  
فداکاری کلیه پزشکان عالیقدر  
در تمام ساعت شبانه‌روز آماده  
خدمت به هموطنان غریز  
می‌باشد.

رئیس مرکز آموختی، تحقیقات  
و درمانی قلب و عرق  
دکتر منوجهر پاکیاز

فعالیتهای اداره حفاظت  
محیط فریست سمنان

بسمه تعالیٰ بدلیل رعایت ضوابط زیست محیطی موافق نمود.

همجنین با رسیدگی بهنگواییه اهالی در مورد منابع آلوده کننده محیط با صاحبان آنها تماش و تذکر لازم در جهت رفع آلودگی باتمان داده شد.

اداره حفاظت محیط زیست سمنان بدنبال فعالیتهای پی گیر خود درجهت پاکسازی و حفاظت از محیط زیست منطقه، با ایجاد و تاسیس یک واحد کارگاه موزائیکسازی در پخش مرخخسمنان، یک واحد کارگاه مکانیکی، پنج واحد کوره آجر فشاری در حومه شهر سمنان، که واحد کارگاه موزائیک سازی و یک واحد کارگاه درب و پنجره سازی همکاری می‌نماید.

---

## اداره حفاظت محیط زیست

بسمه تعالیٰ این امر بزرگ اسلامی نیز در پاسخ به ندای انسانی امام پرتلash باشند. در کلیه واحدها رخصوص پیکار با می سوادی، و ادارات تابعه در شهرستانها بدبونوسیله تشکیل جهاد سواد- یخصوص در مناطقی که همچوار موزی محیط زیست را اعلام روستاهای میباشد همکاران میتوانند باشته و امیدوار است همکاران جهت طی دوره مربوطه به سلمان و متعدد بهمانگونه که کمیته‌های سوادآموزی مراجعه و در جهاد سازندگی محیط زیست پس از کسب روشاهای سوادآموزی مهیمانه کوشای بوده و کمال خدمات خود را شروع نمایند.

همکاری را معمول داشته‌اند در سازمان حفاظت محیط زیست

## ی به حجت الاسلام محلاتی

"نفق" و تعلیقات نفق" تالیف متکلم جلیل شیعی عبدالحلیل قزوینی رازی، که مهمنترین کتاب کلامی شیعه در سدهٔ ششم هجری و از عمدۀ ترین تالیفات کلامی شیعه است با تصحیحات و حوادث علامهٔ فقید سعید میر-جلال الدین محدث ارموی، کلام "درسه‌حلد"، پس از پنج سال گوشش اینک ازسوی احمد بن آثار ملی به طبع رسیده است. با سپاس از عنایت انجمن آثار ملی، توفیق بیشتر ایشان را خواستاریم.

ت الاسلام محلاتی

کتر کاشانی به حجت الاسلام محلاتی

نی خواهم اسمی آنان  
من غلا" نی خواهم اسمی آنان  
را ذکر ننم به هنگام طرح لایحه  
منع مشروبات الکلی که خواسته  
ملت مسلمان و مورد نائید آبت-  
الله کاشانی بود مرعوب قدرت  
حاکم وقت شدند و بهمه مبانی  
اعتقادی واسلامی خود و خواست  
برحق ملت مسلمان پشت پا  
زدند و فتوی بادامه صرف  
مشروبات الکلی دادند آری  
روحانی و عمامه بسر بودند  
وقطعاً قلبایا هم از عمل خود  
خشود نبودند ولی شخصیت و  
شجاعت اخلاقی لازم را  
نداشتند که از شرع مقدس اسلام  
و قانون اساسی که برای حفظ آن  
سوگند یاد کرده بودند دفاع  
کنند.

آقای محلاتی شما هیچ چیز از  
علل آیت الله کاشانی و دکتر  
مصدق و علل سقوط نهضت را  
نمی دانید و شاید این امر کنار  
سایرین شود.

آقای محلاتی مواظف باشید که  
شما مثل آن چند نفر عمامه  
سری که در دوران نهضت ملی  
ایران با پیشیانی ملت مسلمان  
و با کوشش آیت الله کاشانی به  
انداخت. این توجیه باطل اگر  
توجه داشتند بزرگترین اهانت  
به مقام آیت الله کاشانی است که  
او را نا این حد پاشن میاورید  
که هر کس بتواند او را تحت

تحبیص و مورد موادخه قرار  
میدهدند بی جهت نیست که بنایه  
نوشته خودتان این روزها  
مراتب از شا می پرسند جرا به-  
رد چیزی را که  
شہادت بدھدید مگر  
روحانی مبارز مسئولیت بزرگتری  
دارید و حسابیت در مورد شما  
بیشتر است زیرا ملت ما به حق  
دریافتنه است که روحانیت  
محاهد محور واسس پیروزی این  
انقلاب اسلامی و کلیه نهضتهاي  
اصیل حامده ما در یک‌قرن کشته  
بوده است. ملت ما به موازات  
احترام عمیقي که به روحانیت  
محاهد میگذارد و پاسدار حرمت  
آنما است ولی هیچ‌گاه نسبت به  
ی توانی ها نیز چشم پوشی  
نمی کند زیرا نی خواهد انحراف  
یک نفر موجب ستم گردیدن  
سایرین شود.

آقای محلاتی مواظف باشید که  
شما مثل آن چند نفر عمامه  
سری که در دوران نهضت ملی  
ایران با پیشیانی ملت مسلمان  
و با کوشش آیت الله کاشانی به  
انداخت. این توجیه باطل اگر  
توجه داشتند بزرگترین اهانت  
به مقام آیت الله کاشانی است که  
او را نا این حد پاشن میاورید  
که هر کس بتواند او را تحت

آقای محلاتی در این مصاحبه گونه کوشش میکند که اغراض و خواستهای خود را در لباس اطاعت از امر امام پخورد مردم دهد و این رویه ایستاده که از بعداز انتخابات ریاست جمهوری رایج گردیده است که برای پیشبرد نظریات گروهی خودشان دائماً بهامر امام متول مشوند و هر روز اشخاصی را متقهم میکنند امر امام را اطاعت نکردند. من از آقای محلاتی سوال میکنم وقتی امام امت این چنین در صحنه جامعه ما حضور فعال دارند و با صراحت و قاطعیت از هرگونه انحراف و کج روی انتقاد میکنند و وقتی که امام از روی شهامت اخلاقی کم نظیر خود را نیز مورد انتقاد قرار میدهند و در شرایطی که امام امت مکرراً فرموده اند که سختگوندارند شما چگونه بخودتان اجازه مدهید که در آن بالاشتبهند و پیرای مردم تعیین تکلیف کنید فلان کس از امر امام اطاعت کرد و فلان کس از افرمان امام سربیچی کرد. مثل این است که فرام اهلم به منزله چاقی در اختیار این آقایان است مگر شاآکل امام هستید که فقط خودتان را معيار سنجش رفتار افراد با امام میدانید. شما اگر خیلی در خط







